

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادویکم

پاییز ۱۳۹۶

بازشناخت نقش های سیاسی - اجتماعی بانو خَدِیث، همسر امام هادی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۳

تاریخ تأیید: ۹۶/۷/۷

ناهد طیبی^۱

نقش همسران اهل بیت علیهم السلام به دلیل جایگاه اجتماعی و پیوستگی آنان با امامان علیهم السلام، یکی از نقش های کلیدی در تاریخ اهل بیت علیهم السلام است. نقش سیاسی اجتماعی بانو خَدِیث، همسر امام هادی علیه السلام، به سبب شرایط ویژه عصر امامت امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام (عج)، از جمله موضوعات مهمی است که بازشناخت آن، افزون بر گشودن صفحه هایی نو در تاریخ اسلام، موجب شناساندن بانوان ناشناخته، ولی تأثیرگذار خواهد بود.

تحقیق حاضر، با رویکرد تاریخی در صدد تبیین نقش های سیاسی و اجتماعی همسر امام هادی علیه السلام با توجه به شرایط تاریخی زمانه حیات اوست که با استفاده از منابع تاریخ عمومی و تاریخ اهل بیت علیهم السلام و بخش های مغفول مانده در منابع، سامان یافته است.

بر اساس یافته های این تحقیق، تحمل دشواری های ناشی از فشارهای روانی و سیاسی دستگاه خلافت عباسی و نیز مدیریت بحران درون خانوادگی برآمده از تزاخم و تنوع آرای فرزندان امام هادی علیه السلام، از جمله نقش های بانو

۱. مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء علیه السلام و دانشجوی دکترای تاریخ اهل بیت علیهم السلام، رایانامه:

Tayyebi110@yahoo.com

حُدَیث در عصر امام هادی علیه السلام بود. در عصر امام عسکری علیه السلام نیز با توجه به جدی‌تر شدن مسئله امامت دوازده امام، افزایش فعالیت‌های ضد شیعی خلفای عباسی و کارگزاران آنها، ایجاد محدودیت برای اصحاب و سفیران امام و نیز تنگ‌شدن دایره ارتباطات امام و شیعیان، نقش بانوان در این دوره برجسته می‌شود. بارزترین نقش‌های سیاسی و اجتماعی بانو حُدَیث در این دوره را می‌توان همکاری برای رفع تحیر از جامعه شیعی و برنامه‌ریزی برای حفظ باورهای مکتب اهل بیت علیهم السلام و حفظ جان امام زمان علیه السلام به شمار آورد.

کلیدواژگان: امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام، بانو حُدَیث، زنان اهل بیت علیهم السلام، تاریخ تشیع، نقش‌های زنان، عصر دوم عباسی.

مقدمه

نقش‌های زنان در تاریخ، از جمله موضوعاتی است که نیازمند بازپژوهی و بازسازی تاریخی است. به علل گوناگون، این نقش‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته و در مواردی که اشاراتی دیده می‌شود، در حاشیه و جهت تکمیل زندگی‌نامه قهرمانان تاریخ صورت می‌گیرد. مادران و همسران ائمه علیهم السلام، از جمله بانوانی به شمار می‌روند که نقش‌های اساسی و تأثیرگذار در زمانه خویش داشته‌اند؛ اما کمتر به عنوان موضوع مستقل پژوهشی و تاریخی به آنها پرداخته شده و حتی در مواردی هرگز مورد توجه نبوده‌اند. بخشی از ویژگی‌ها و نقش‌ها، در ضمن تاریخ زندگانی همسر و فرزند این بانوان به‌اختصار بیان شده؛ ولی بخش مهم‌تر آن، روش دیگری را می‌طلبد. به نظر می‌رسد که ترسیم جزئیات و نوع نقش‌های آنان، از طریق جایگزینی ذهنی محقق میسر خواهد بود؛ به این معنا که محقق، خویشان را به جای همسر یا مادر مورد نظر قرار دهد و با قرارگرفتن در موقعیت و شرایط زمانه که در منابع تاریخی مربوط به امام علیه السلام با تمام جزئیات ذکر شده است، به بازسازی نقش‌های این بانوان بپردازد. البته باید توجه داشت که یک فرد امروزی به لحاظ

ویژگی‌های تربیتی، اخلاقی، نژادی و تمدنی متفاوت زمان خویش، نمی‌تواند موفق به بازسازی کامل بخشی از تاریخ چهارده قرن پیش شود؛ اما توان ارائه دورنمایی از آن را خواهد داشت.

پیشینه مستقل و قابل توجه پژوهشی در مورد بانو حُدیث دیده نشد و نگارنده این نوشتار، در مقاله‌ای مختصر با عنوان «بانوی سامرا» که در سال ۱۳۸۶ همراه با دو مقاله دیگر توسط مؤسسه پژوهشی انتظار نور در کتاب *زنان و حضرت مهدی (عج)* به چاپ رسید و در فصل پایانی کتاب *پژوهشی در باره مادر امام زمان (عج)* چاپ شده در سال ۱۳۹۲ و نیز بخشی از کتاب *شرح حال و نقش زنان عصر ولادت حضرت مهدی (عج)*، به این بانو به اختصار پرداخته است. البته نوع نگرش به ایشان در این آثار متفاوت بوده و بیشتر بر نقش او درباره امام دوازدهم تمرکز داشته و نگاه مستقلی به این بانو نشده و نیز زندگی و نقش وی در دوران حیات امام هادی (عج) مورد توجه نبوده است. افزون بر این، در دو مقاله «همسر و فرزندان امام هادی (عج)» نگاشته علی احمدی و مقاله «مادر امام» نگاشته محمدابراهیم احمدی چاپ شده در فرهنگ کوثر (۱۳۸۶، ش ۶۰ و ۷۰) به معرفی این بانو پرداخته شده که بسیار مختصر بوده و به نقش‌های ایشان پرداخته نشده است.

امتیاز مقاله حاضر این است که به طور مستقل با توجه به گزارش‌ها و زمینه‌های تاریخی موجود در بخش‌های مغفول مانده در منابع تاریخ اهل بیت (ع)، به بررسی مجموعه نقش‌های بانو در مدت عمر وی پرداخته و تلاشی برای تحلیل گزارش‌های موجود دارد.

الف. مفاهیم سازنده

۱. نقش

برای نقش، دو معنای متضاد ذکر شده است؛ اولی از ماده نقش، به معنای خارج کردن و دورنمودن شیء از شیء دیگر است؛ به طوری که چیزی از آن باقی نماند. «نقش الشعر» به

معنای کردن موسست.^۱ معنای دوم، به کار و عمل نقاش و ردّ پا یا اثری که روی زمین حاصل می‌شود، نقش گفته می‌شود.^۲ شاید بتوان این دو معنا را در هم آمیخت و گفت با نقش آفرینی فردی، اثر و موقعیت پیشین از بین رفته (معنای اول) و اثر و حالت جدید بر جای می‌ماند (معنای دوم)؛ به عنوان مثال، با نقش روشنگری یک عالم، جهل به موضوع از بین می‌رود و آگاهی و علم، نقشی است که در سایه این روشنگری بر جای می‌ماند. در جامعه‌شناسی به رفتارهایی که از فرد به مناسبت احراز یک جایگاه معین انتظار می‌رود، نقش گفته می‌شود.^۳ بر اساس این تعریف، از آنجا که همسر یا مادر امام بودن، جایگاهی است که موجب انتظار رفتارهایی متفاوت از دیگر بانوان را در ذهن ایجاد می‌کند، پرداختن به زندگی و نقش‌های آنان اهمیت دارد.

۲. نقش سیاسی - اجتماعی

سیاست به معنای خاص، یعنی هر امری که مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد.^۴ البته معنای عام آن، همان مدیریت و تعیین شکل و چگونگی فعالیت است. از مجموع تعریف نقش و سیاست می‌توان گفت که نقش‌های سیاسی و اجتماعی، ناظر به گونه‌ای از فعالیت‌هاست که مدیریت و چگونگی فعالیت در اجتماع را شکل می‌دهد و تأثیر اجتماعی دارد و با فعالیت و حضور سیاسی همراه می‌گردد. از آنجا که نقش‌های بانو حُدیث، به نوعی در برابر فعالیت‌های ضدّ شیعی و ضدّ علوی دستگاه حکومت عباسی قرار می‌گرفت، در مقاله حاضر، از اصطلاح مذکور استفاده شده است.

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۷۰.

۲. خلیل‌بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۴۱؛ محمدبن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۸، ص ۲۵۶.

۳. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۳۷۸؛ ویلیام آوتویت و تام باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ذیل واژه «نقش».

۴. داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۳. زن در عصر دوم عباسی

در عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ق) به سبب اقتدار سیاسی و نظامی دستگاه حاکم و وجود خلفای قدرتمند در عرصه سیاسی، زنان دخالت چندانی در امور سیاسی نداشتند؛ اما در عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴ق) با روی کار آمدن خلفای بی‌اراده، و نیز سلطه و نفوذ ترکان بر دستگاه خلافت عباسی و عوامل دیگر، پدیده‌ای قدرتمند در پایگاه خلافت اسلامی به نام «قهرمانه» به وجود آمد؛ زنانی که در پی کسب قدرت و جمع‌آوری ثروت تلاش می‌کردند و در جایگاه وکیل، خزانه‌دار، مدیر، سرپرست و پیشکار قرار می‌گرفتند.^۱ برخی از عزل و نصب‌ها در دربار خلفای عباسی، از طریق این زنان صورت می‌گرفت.^۲ دوران خلافت متوکل، ابتدای نفوذ زنان در دولت عباسی بود و زمام امور و مسند حکومت را در واقع همسرش، حبشیه رومی در دست داشت. از جمله کارهای این زن، واگذاری ولایتعهدی به پسرش، المعتز بالله، در سال ۲۵۲ هجری بود.^۳ وی قهرمانه‌ای به نام امّ موسی هاشمیه را در برابر وزرای دربار قرار داد و بر آنان مسلط ساخت.^۴ در چنین فضایی، نمی‌توان حضور فعال زنان علوی به عنوان طیف مقابل عباسیان را نادیده گرفت؛ زیرا شرایط همواره در دو طیف مقابل تأثیرگذار است.

۱. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۳، ص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ عمر رضا کحاله، أعلام النساء فی عالمی العرب، ج ۵، ص ۶۷.

۲. رک: طبری، همان، ج ۸، ص ۲۵۰؛ نیز رک: حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السیاسی والدینی والثقافی والاجتماعی، ج ۲، ص ۴۳۰؛ همان، ج ۳، ص ۴۴۶ - ۴۵۱.

۳. رک: ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۸، ص ۴۱۷.

۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۶۲.

ب. مروری بر زیست‌نامه بانو حُدَیث

بی‌تردید، همسر امام هادی علیه السلام کنیزی از اهالی مغرب اسلامی بوده^۱ که پیش از سال ۳۳۰ق به بیت امام وارد شد. وی به واسطه تولد فرزندش از امام علیه السلام، امّ ولد به شمار می‌آید. دلایل تعدد اسامی امهات اولاد و کنیزبودن مادران هفت امام معصوم، در منابع بسیاری تحلیل شده است.^۲ بر اساس گزارش‌های موجود، تعداد اسامی بانو به بیش از ۱۲ نام می‌رسد و اختلاف فراوانی در منابع دیده می‌شود. قدیمی‌ترین، نقل از ابن‌ابی‌الثلج (م ۳۲۵ق) است که نام وی را «اسماء» دانسته و لفظ «یقال سمانه؛ به او سمانه گفته می‌شود» را نیز می‌آورد.^۳ همچنین، اصطلاح «مَوْلَدَه»^۴ را که از ویژگی‌های خاص مادر امام رضا علیه السلام است، برای این بانو ذکر می‌کند.^۵ با توجه به قطعی نبودن انتساب کتاب به نویسنده مذکور، نمی‌توان این نقل را پایه تحقیق قرار داد. افزون بر اینکه در هیچ منبع

۱. محمدبن جریر طبری، *دلائل الامامة*، ص ۴۲۴؛ ابن‌حاتم شامی، *الدرّ النظیم*، ص ۷۳۷.

۲. جهت اطلاع بیشتر، ر.ک: محمد صدر، *تاریخ الغیبه*، ج ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۳.

۳. این اثر، پیش‌تر به ابن‌ابی‌الثلج بغدادی (م ۳۲۵م) نسبت داده می‌شد؛ لیکن محقق معاصر، سید محمدرضا حسینی جلالی، این رساله را به پنج نفر نسبت داده است: ۱. نصرین‌علی جهضمی؛ ۲. امام رضا علیه السلام؛ ۳. احمدبن محمد فاریابی؛ ۴. ابن‌ابی‌الثلج بغدادی؛ ۵. ابن‌خشاب. وی معتقد است با توجه به اینکه بیشتر نصوص کتاب از ائمه اخیر نقل شده است، به نظر می‌رسد این روایات، اصلی واحد داشته‌اند که افراد مختلف آن را نقل کرده‌اند و به هریک از ایشان نسبت داده شده است. جهضمی که فقط برخی از روایات را نقل کرده، از راویان اهل سنت به شمار می‌رود. سیدبن طاووس و شیخ حرّ عاملی، این رساله را به او نسبت داده‌اند. چهارمین نفری که کتاب به او منسوب است، ابن‌ابی‌ثلج است؛ ولی برخی روایات، از متأخرین وی نیز نقل شده است. همچنین است، نسبت کتاب به ابن‌خشاب یا خصیبی. به هر حال، این نقل در دوره‌های مختلف از افراد متعدد نقل شده و مؤلف واحدی ندارد. (ر.ک: نرم‌افزار سیره معصومان، کتابنامه کتاب تاریخ اهل بیت علیهم السلام)

۴. به فرد غیرعرب (عجم) که در سرزمین عربی و یا بلاد اسلامی متولد شود، مَوْلَدَه گویند.

۵. ابن‌ابی‌الثلج، *تاریخ اهل‌البیت*، ص ۱۲۴: «أمّ الحسن بن علیّ العسکریّ علیه السلام: سمانه، مَوْلَدَة و یقال: أسماء.»

متقدم و متأخر دیگری، نام اسماء و مولده بودن بانو ذکر نشده است و سمانه هم فقط در اثبات الوصیه دیده می‌شود. اسکافی (م ۳۳۶ق) می‌نویسد:

مادر وی، امّ ولدی بود که نام او را سوسن گفتند و حدیث نیز گفته شده و

خدای داناتر است.^۱

بنابراین، در قرن چهارم، امّ ولد بودن و نام سوسن و حدیث، برای بانو قطعی بوده است. شیخ مفید، تنها به دو واحد اطلاعاتی در مورد بانو اشاره می‌کند؛ امّ ولد بودن و نام حدیث؛^۲ اما در اواخر قرن پنجم، در عیون المعجزات به سه مورد در مورد بانو اشاره شده است؛ امّ ولد بودن، نام سوسن و با لفظ «قیل» نام حدیث یا حدیثه و سلیل که نویسنده آن را صحیح‌تر می‌داند. همچنین، تنها منبع کهن که وصف «العارفات الصالحات» را برای این بانو آورده، همین عیون المعجزات است و تمام منابع پسین به آن استناد کرده‌اند.^۳ نویسنده در این کتاب، افزوده‌های دیگری داشته و اسامی «شَکَل النویّة»^۴، «سوسن المغربیة»^۵ «سقوس»^۶ و در انتها «حدیث» را ذکر کرده و با لفظ «الله اعلم»، عدم اطمینان خود را اظهار می‌کند. گفتنی است، این کتاب که پس از سال ۴۱۱ق نگاشته شده، مطالب فوق را برای اولین بار می‌آورد.

۱. اسکافی، الأنوار، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.

۳. حسین بن عبدالوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۳۴.

۴. شَکَل، اهل نوبه. شَکَلَا، به معنای دختری است که در سفیدی چشم او سرخی باشد و شَکَلَة، به معنای گندم‌گونی است؛ اما در منابعی که این نام را آورده‌اند، اعراب و ضبط ندارد. بنابراین، نمی‌توان معنای قطعی برای آن ذکر کرد. (ر.ک: ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۱۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۵۸)

۵. سوسن، اهل مغرب.

۶. در کتب لغت، این لفظ دیده نشد و حتی منغوسه که در چاپ دیگری از کتاب دلائل الامامة وجود دارد، در کتب لغت نیست. از این رو، احتمال می‌رود تصحیف سوسن باشد.

در نسخه‌ای از *فصول المهمة* که در کتابخانه الآثار العراقية بوده و در سال ۱۱۰۵ق با مقدمه و تصحیح توفیق الفکیکی نگاشته شده، نام بانو برای اولین بار «حدات» ذکر شده است.^۱ البته به نظر می‌رسد، تصحیف حُدیث باشد؛ زیرا در هیچ منبع دیگری دیده نمی‌شود. حُدیثه^۲ نیز تأیید حُدیث می‌باشد و نام مستقلی به شمار نمی‌آید. «حربیه»، نامی است که برای نخستین بار در *کشف الغمة* دیده می‌شود و به احتمال، تصحیف حُدیث یا حُدیثه است.^۳ برخی از نویسندگان با استناد به این نام که معنای حرب را دارد، نتیجه گرفته‌اند که وی به عنوان کنیز در مدینه زندگی می‌کرد و شاید همراه خانواده در یکی از جنگ‌های عصر حکومت بنی‌عباس به مدینه آمده است؛^۴ اما به نظر می‌رسد که با تغییر حرف «د» به «ر» در *کشف الغمة* تصحیف صورت گرفته است. نام «سلیل» برای اولین بار توسط مسعودی (م ۳۴۶ق) در *اثبات الوصیة* آورده شده و سپس محمدبن عبدالوهاب (م قرن ۵) آن را در *عیون المعجزات* می‌آورد.^۵ نام «عسفان» نیز تنها در *فرق الشیعة* آورده شده و در هیچ منبعی اعم از پیشین و پسین، از نام مذکور یاد نشده است.^۶ سقوس، سلیل، سمانه، سوسن و شکل نیز اولین بار در *دلائل الإمامة* منسوب به طبری (م قرن پنجم) دیده شده است.^۷ اگر انتساب کتاب *دلائل الإمامة* به طبری را نپذیریم، متن این اثر مربوط به اوایل قرن پنجم بوده و در صورت هماهنگی مطالب با منابع معتبر دیگر، می‌توان اطلاعات آن

۱. ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*، ج ۲، ص ۱۰۸۰.

۲. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.

۳. اربلی، *کشف الغمة*، ج ۲، ص ۹۱۰.

۴. محمدابراهیم احمدی، «مادر امام»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰، ص ۱۴۲.

۵. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، ص ۱۳۵.

۶. نوبختی، *فرق الشیعة*، ص ۹۶.

۷. طبری، *دلائل الامامة*، ص ۴۲۴؛ ابن شهر آشوب، *المناقب*، ج ۴، ص ۴۲۱؛ ابن حاتم شامی، *الدر النظیم*،

ص ۷۳۷؛ ابن صباغ، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۸۰.

را به عنوان اثری متقدم مورد توجه داشت.^۱ ابن شهر آشوب نام «سمانه» و «مُتَفَرِّشَة (یا منفرشه) الْمَغْرِبِيَّة» را نیز به عنوان نام بانو می‌آورد.^۲ متفرشه، تنها در این کتاب دیده شده است. نام «غزاله مغربیه» را تنها در *هدایة الکبری* ذکر شده و نویسنده می‌نویسد: نام مادر امام علیه السلام، «حُدَیث» است و گفته شده «غزاله» بوده؛ ولی غزاله نام ثبت‌شده‌ای نیست.^۳ پس، صرف نظر از اثبات انتساب کتاب *هدایة الکبری* به خصیبی در اثری در قرن چهارم، «غزال» نام ثبت‌شده‌ای برای بانو نبوده است. نام ریحانه نیز تنها در *سلسلة العلویة* آورده شده است.^۴

بنابراین، نام حدیث و سوسن در بیشتر منابع متقدم ذکر شده است و نام‌هایی مانند «حدات» و «حربیه» تصحیف حدیث است و نام‌های: ریحانه، شَکَل، سقوس، غزاله و عسفان، تنها در یک منبع یا قول ضعیف آورده شده و قابل اعتنا نیست. ملیت این بانو را از تعبیر «شَکَل النوبیَّة» و «سوسن المغربیه»^۵ می‌توان استخراج کرد که چون نام شَکَل پذیرفته نشد، اضافه آن نیز رد می‌شود و با استفاده از «سوسن المغربیه» می‌توان وی را کنیزی از بلاد مغرب دانست؛ هرچند نوبی و مغربی بودن، مغایرتی با هم ندارند. کنیه بانو، أمّ ابی محمد بوده^۶ و تنها در *عیون اخبار الرضا* علیه السلام در حدیث لوح - که محل تأمل است - أم الحسن ذکر شده است.^۷

۱. رک: نعمت‌الله صفری فروشانی، «محمد بن جریر طبری آملی ودلائل الامامة»، علوم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۲۲۵.
۲. اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۵.
۳. خصیبی، *هدایة الکبری*، ص ۳۲۸.
۴. ابونصر بخاری، *سلسلة العلویة*، ص ۳۹.
۵. طبری، پیشین؛ ابن حاتم شامی، پیشین، ص ۷۳۷.
۶. صفار قمی، *بصائر الدرجات*، ج ۱، ص ۴۸۳؛ طوسی، *الغیبة*، ص ۲۳۰.
۷. صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰.

در مجموع، مبحث امّ ولد بودن بانو، در منابع قرن چهارم و پنجم مطرح شده و از اخبار قطعی است.^۱ در اسامی او، با وجود اختلاف بسیار، می‌توان گفت نام حُدَیث (یا حَدیث) و سوسن، بیشتر مطرح شده است. وی از بلاد مغرب بوده؛ اما اینکه چگونه به مدینه وارد شده و با خاندان امامت پیوند یافته است، مشخص نیست و تنها گمانه‌زنی‌هایی در این مورد وجود دارد. برخی ورود بانو به خاندان امامت را بر اساس تولد امام عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام^۲ بین سال‌های ۲۱۵ تا ۲۱۸ ق تخمین زده‌اند.^۳ برخلاف کنیزان دیگر که مادر امام علیه السلام و امّ ولد هستند، در مورد کیفیت ورود این بانو به خانه امام هادی علیه السلام داستانی ذکر نشده و گزارش‌ها با جمله «لما ادخلت...» و ماجرای حضور وی نزد امام هادی علیه السلام و سخنان آن حضرت آغاز شده است. از آنجا که بر اساس گزارش‌ها معمولاً کنیزانی که به عنوان مادر امام برگزیده می‌شدند، مانند: حمیده، نجمه، سمانه و نرجس، ابتدا به خدمت امام پیشین می‌رسیدند و این بانو برخلاف آنها به خود امام وارد شده، می‌توان دریافت که ورود او به خانه امام هادی علیه السلام، پس از شهادت امام جواد علیه السلام، یعنی سال ۲۲۰ ق به بعد بوده است. شیخ عباس قمی گوید:

در جنّات الخلود^۴ است که [بانو] در ولایت خودش پادشاه زاده بوده و کافی است در فضیلت او که مفزع (پناهگاه) شیعه و پناه و دادرس ایشان بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.^۵

۱. اسکافی، پیشین، ص ۸۶؛ مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۳.
۲. تولد امام هادی علیه السلام، ۲۱۲ ق و تولد امام عسکری علیه السلام، ۲۳۱ ق است.
۳. محمدابراهیم احمدی، «مادر امام»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰، ص ۱۴۲.
۴. جنّات الخلود المعمور من جداول النور (حول شرح الاسماء الحسنی و معرفة الأنبیاء و تاریخ المعصومین الأربعة عشر و...، بالفارسیّة)، نگاشته محمدرضابن محمد مؤمن امامی خاتون‌آبادی است. چاپ سنگی آن، به سال ۱۳۷۸ قمری مربوط است و ترجمه عربی آن، توسط سید حسن همدانی صورت گرفته است. (جنّات الخلود، ص ۳۸)
۵. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۹۰۷.

این مطالب، در منابع متقدم یافت نشد. امام هادی و عسکری علیهما السلام با کسی ازدواج نکردند و همسران آنان کنیز و ملک یمین آنها بودند. از این رو، گفته شده: از وجود همسر (حرّه) برای دو امام عسکریین علیهما السلام آگاهی نداریم و تنها امّ اولاد (مادر فرزندان) برای وی ذکر شده است.^۱

امّ ولد، به کنیزی گفته می‌شود که برای مولایش فرزند آورد؛ اما اینکه علامه تستری تعبیر «امّ اولاد» را آورده، نه «امّهات اولاد»، نشانگر این است که همه فرزندان امام هادی علیه السلام را از همین کنیز می‌داند و در این صورت، مادر امام عسکری علیه السلام، سید محمد، حسین و جعفر کذاب را یکی می‌داند. بنا به نقل مجلسی،^۲ از مصباح کفعمی (م ۹۰۵ق) امام هادی علیه السلام تنها یک سرّیه^۳ داشته است و غیر آن، همسری برای وی ذکر نشده است.^۴ بنا بر این نقل، بانو خدیث تنها همسر امام هادی علیه السلام بوده و صفات اصیل و شرافتمند و سخاوتمند برای وی ذکر شده است. دوران زندگی بانو هم‌زمان با هشت خلیفه عباسی بود که به شیوه خاص خود بر شیعیان فشار سیاسی و روانی وارد می‌کردند. این خلفا عبارت بودند از: معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ق)، واثق (۲۲۷-۲۳۲ق)، متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق)، منتصر (۲۴۷-۲۴۸ق)، مستعین (۲۴۸-۲۵۱ق)، معنز (۲۵۱-۲۵۵ق)، المهتدی بالله (۲۵۵-۲۵۶ق) و المعتمد علی الله (۲۵۶-۲۷۹ق). بیشتر اتفاقات، در دوران متوکل و معتمد علی الله رخ داد. تا زمان متوکل و هنگام تولد امام عسکری علیه السلام، فضای سیاسی مناسب‌تری برای اهل بیت علیهم السلام و شیعیان وجود داشت؛ اما از عصر متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) با وجود

۱. تستری، رساله فی تواریخ النبی والاولاد، ص ۷۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۱۷.

۳. سرّیه در لغت، به معنای نفیس و باشرافت است؛ البته معانی سخاوتمند و بامروت نیز برای آن گفته شده

است و سروات، به معنای اشراف است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۷۸)

۴. کفعمی، المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)، ص ۶۹۲: «أُمُّهُ سُمَانَةٌ نَقَشُ خَاتَمِهِ حِفْظُ الْعَهْدِ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُعْبُودِ كَانَتْ لَهُ سُرِّيَّةٌ لَا غَيْرُ وَكَانَ لَهُ خَمْسَةٌ أَوْلَادٍ.» البته در مصباح کفعمی موجود، این مطلب دیده نشد.

عبیدالله بن یحیی بن خاقان (م ۲۶۳ق)،^۱ وزیر متوکل و معتمد که در رفتار ضد علوی شهرت داشت، دوران دشواری آغاز گردید.^۲

ج. گزارش‌های مربوط به همسر امام هادی علیه السلام

مجموعه گزارش‌های مربوط به بانو حُدیث را از یک زاویه می‌توان به مواردی با محوریت بیان صفات بانو و گزارش‌های مربوط به نقش‌های وی طبقه‌بندی نمود و از زاویه‌ای دیگر، بر اساس ترتیب نقش‌های وی چینش کرد.

۱. گزارشی با محوریت ویژگی‌های بانو حُدیث

در برخی منابع، وی را از عارفات و صالحات برشمرده‌اند. این تعبیر نخستین بار در قرن پنجم در کتاب *عیون المعجزات*^۳ دیده می‌شود که توصیف نویسنده کتاب از بانوست و به نقل از معصوم نیست تا به عنوان ویژگی وی مطرح شود. مجموعه منابع پسین از وی نیز این مطلب را آورده‌اند. افزون بر اینکه در انتساب کتاب به عبدالوهاب تردید جدی وجود دارد؛ حتی اگر به عنوان مطلبی که در اثری در قرن پنجم ذکر شده، مطرح شود، تنها نظر یک نویسنده است و قول معصوم نیست تا مورد تأیید و بحث قوی و جدی تاریخی قرار گیرد. از سویی، فاصله زمانی نویسنده با دوران حیات همسر امام هادی علیه السلام اقتضا می‌کند که برای بیان چنین مطلبی، واسطه‌ای وجود داشته باشد؛ زیرا خود، او را درک نکرده است.

۱. عبیدالله بن یحیی بن خاقان تا زمان قتل متوکل، وزیر وی بود و مستعین او را در سال ۲۴۸ق به رقه تبعید کرد و پس از پنج سال، به بغداد رفت و وزیر معتمد شد. وی در سال ۲۶۳ق به طور ناگهانی از دنیا رفت.

(ذهبی، تاریخ الإسلام، ص ۱۳۲)

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۷۸.

۳. منسوب به حسین بن عبدالوهاب، پیشین، ص ۱۳۵.

۲. گزارش‌های ناظر به پیش از پیوند با امام هادی علیه السلام

در اثبات الوصیه^۱ گزارشی از اولین ملاقات امام هادی علیه السلام با این بانو آورده شده است؛ وقتی که سلیل، مادر امام حسن عسکری علیه السلام نزد امام علی النقی علیه السلام آمد، آن حضرت فرمود: سلیل از آفت‌ها، گزندها، پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها محفوظ است و به وی فرمود: به زودی خدا حجت خود را به تو عطا خواهد کرد که زمین را پُر از عدل و داد نماید؛ آن گونه که پُر از جور و ستم شد. مادر امام حسن عسکری علیه السلام در مدینه به آن حضرت باردار شد و وی را در مدینه به دنیا آورد. ولادت و نشو و نمای او، نظیر ولادت پدرانش بود.^۲

از جمله صفاتی که با استفاده از گزارش فوق به نقل از معصوم در مورد همسر امام هادی علیه السلام ذکر شده، دوری وی از آفات و پلیدی‌ها و امراض است که در ضمن گزارش به ظاهر تقطیع شده^۳ مربوط به پیوند وی با امام هادی علیه السلام آمده است. این مطلب اولین بار در اثبات الوصیه منسوب به مسعودی (م ۳۴۶ق) دیده شده و قرن‌ها بعد در منتهی الآمال (شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۶۵۰) و سپس در مسند امام هادی علیه السلام و مسند امام عسکری علیه السلام^۴ و موسوعه امام هادی علیه السلام (خزعلی، ج ۱، ص ۵۲) و موسوعه امام عسکری علیه السلام (خزعلی، ج ۱، ص ۴۴) با استناد به همان اثبات الوصیه آورده شده و منبع دیگری متذکر آن نشده است. گرچه در انتساب کتاب به مسعودی (م ۳۴۶ق) صاحب مروج الذهب

۱. این کتاب در قرن چهارم نگاشته شده و منسوب به مسعودی صاحب مروج الذهب است. مجلسی از آن در بحار الأنوار بسیار استفاده نموده است. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۶، ح ۲۵؛ همان، ج ۱۰۲، ص ۶۱)

۲. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۴.

۳. گزارش با «لما ادخلت سلیل...» آغاز شده است.

۴. عطاردی، مسند الإمام الهادی أبي الحسن علی بن محمد علیه السلام، ص ۱۱؛ همو، مسند الإمام العسکری أبي محمد الحسن بن علی علیه السلام، ص ۴۹.

اشکالات جدی وارد است، اما در اینکه کتاب در قرن چهارم نگاشته شده، تردیدی نیست و می‌توان به عنوان منبعی متقدم، به آن استناد کرد. اهمیت دیگر کتاب در این است که نویسندگان پسین مانند مجلسی در *بحار الأنوار* از آن نقل کرده‌اند.^۱

د. بازنگری نقش‌های بانو حُدَیث در عصر امامین عسکریین علیهما السلام
نقش‌های بانو را می‌توان در دو دوره امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام واکاوید:

۱. نقش بانو در دوران حیات امام هادی علیه السلام

امامت سی‌وسه ساله امام هادی علیه السلام با خلافت شش تن از خلفای عباسی مصادف بود؛ معتصم (۲۲۰-۲۲۷ق)، واثق (۲۲۷-۲۳۲ق)، متوکل (۲۳۲-۲۴۸ق)، منتصر (حدود ۶ ماه)، مستعین (۲۴۸-۲۵۲ق) و معتز (۲۵۲-۲۵۴ق). معتصم به بهانه‌های متعدد، برای امام و شیعیان محدودیت ایجاد می‌کرد و واثق تا حدودی رویه اعتدال داشت و کمتر از دیگر خلفا شیعیان را آزار می‌داد^۲ و شاید به همین سبب، در مدت خلافت وی آموزه‌های زیادی از امام هادی علیه السلام بر جای ماند. نیز در این دوره، اصحاب امام علیه السلام در دربار خلافت راه یافتند و میان مردم آزادانه حضور داشته، به حل مسائل و مشکلات مردم می‌پرداختند؛ اما با روی کار آمدن متوکل، وضعیت شیعیان تغییر یافت و اوضاع رو به وخامت گرایید.^۳ نقش‌های همسر امام هادی علیه السلام در دوران حیات وی، در دو برهه پیش از فراخوان امام علیه السلام به سامرا و پس از آن، قابل بررسی است.

عبارت «سپه‌ب الله حجته علی خلقه یملاً الأرض عدلاً کما ملئت جوراً؛ به‌زودی خداوند حجت خود بر خلقش را که زمین را آکنده از عدالت می‌کند؛ همان‌گونه که از

۱. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۶؛ همان، ج ۲۵، ص ۲۵؛ همان، ج ۱۰۲، ص ۶۱.

۲. جهت آگاهی بیشتر، رک: احمد رضا خضری، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، ص ۸۷ - ۱۰۷.

۳. ابن الطقطقی، *تاریخ فخری*، ص ۳۲۷.

ظلم پُر شد، به تو خواهد بخشید» در اثبات الوصیة که با حرف سین بر سر فعل «یهب» آمده، اشاره به نزدیک بودن زمان ملاقات با امام هادی علیه السلام و تولد فرزند بانو دارد و همچنین، خبر شیخ مفید از علی بن عمرو عطار بر این مطلب که امام عسکری علیه السلام فرزند بزرگتر امام هادی است، تصریح دارد. در مقاله حاضر، زمان ورود بانو به خانه امام، به طور حداقلی، ۲۳۰ ق تخمین زده می شود. در این زمان، امام هادی علیه السلام ۱۸ ساله بوده است.

شیخ مفید نقل می کند که در زمان حیات ابوجعفر محمد (سید محمد)، فرزند دیگر حضرت ابو الحسن، از امام می پرسد: نزدیک ترین فرزندان به شما کدام هستند؟ امام علیه السلام فرمود: «اینک هیچ کدام را نزدیک تر به من از نظر مقام امامت ندانید، تا اینکه خودم نزدیک ترین فرزندانم را برای شما معرفی کنم.» راوی گوید: من که بیش از این تاب تحمل نداشتم، پس از چندی در عریضه ای نوشتم: امر امامت پس از شما به دست کدام یک از فرزندان شما اداره می شود؟ امام پاسخ داد: «بزرگ ترین فرزندانم امور امامت را اداره می کند.» علی بن عمرو عطار پس از بیان خبر گفت: حضرت ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام)، از ابوجعفر (سید محمد) بزرگ تر بود. بنابراین، اولین فرزند امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و مادرش حدیث است.

بانو از سال ۲۳۰ تا ۲۳۳ ق، یعنی زمان فراخوان امام به سامرا را در مدینه زندگی می کند. گزارش خاصی از نقش و تأثیر بانو در اوضاع سیاسی - اجتماعی مدینه و شیعیان در این سه سال وجود ندارد؛ اما با توجه به فشار و اختناق حاکم، می توان حدس زد که به هنگام تفتیش خانه توسط یحیی بن هرثمه^۱ و ایجاد محدودیت برای خانواده اهل بیت علیهم السلام و شیعیان وی، بی تفاوت نبوده است.

۱. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۲.

با توجه به اینکه فرزند دوساله حضرت نیز ایشان را در سفر به سامرا^۱ همراهی می‌کرده، بسیار بعید به نظر می‌رسد که بانو حُدیث، امام را در این سفر همراهی نکرده باشد.

تحمل فشارهای سیاسی و روانی دستگاه خلافت عباسی (مسائل برون‌خانوادگی)

سیاست مداراگرایانه مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق)، تا زمان متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) ادامه داشت؛ اما از آن پس، فشارهای زیادی بر شیعیان وارد شد. از جمله سیاست‌های متوکل، این بود که امام هادی علیه السلام را در سال ۲۳۳ق به همراه خانواده‌اش، از مدینه به سامرا، پایتخت خود، فراخواند تا تحت نظارت باشد. گرچه متوکل در نامه به امام برای جلوگیری از حساسیت مردم و پاسخگویی به افکار عمومی محترمانه برخورد کرده بود،^۲ اما رفتارهای بعدی او، حاکی از سیاست ضدّ علوی وی بود.^۳ تفتیش منزل امام علیه السلام توسط یحیی بن هرثمه قبل از خروج از مدینه، نمی‌توانست بدون حرمت‌شکنی، اجبار و زور باشد. ابن شهر آشوب به این زور و اجبار تصریح کرده است؛^۴ اما منابع پیشین در این مورد ساکت است. بنا به نقل شیخ مفید، در آغازین روز ورود امام علیه السلام به سامرا، به دستور متوکل وی را به مدت یک روز در «خان صعالمیک» که محل نگاهداری کاروان‌ها و به عبارتی مهمان‌سرای فقرا بود، نگاه

۱. سامرا، بیش از نیم قرن پایتخت خلفای عباسی بوده و معتصم عباسی، الواثق بالله، متوکل، منتصر بالله، مستعین، معتز، مهدی و معتمد، در این شهر حکومت کردند. امام هادی علیه السلام بیست سال از مجموع ۳۳ سال امامت خود را در این شهر تحت مراقبت‌های شدید خلفای عباسی بود. به دلیل فشار حکومت خلفای عباسی، وضعیت مالی شیعیان در این ایام، به‌خصوص در زمان حکومت متوکل، سخت بود. (اصفهانی، پیشین، ص ۵۹۹) سامرا، مدفن امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام، حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام، سمانه مادر امام هادی علیه السلام، سوسن یا حُدیث مادر امام حسن عسکری علیه السلام و نرگس مادر حضرت مهدی علیه السلام بود.

۲. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۳. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۳.

داشتند و روز بعد به منزل مورد نظر خویش بردند.^۱ البته در کتاب تاریخ بغداد آمده است که پس از فراخوان امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا به سال ۲۳۳ق و در زمان خلافت معتصم عباسی، امام علیه السلام خانه‌ای بزرگ را در این شهر از دلیل، فرزند یعقوب نصرانی، خریداری نمود و همین خانه، مدفن آن حضرت شد.^۲ این خانه، در مرکز شهر سامرا قرار داشت و محل زندگی امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام و محل تولد حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ق و همچنین محل زندگی مادران ائمه علیهم السلام: سمانه، حدیث و بانونرجس بوده است. خانه امام علیه السلام در احاطه چند پادگان نظامی قرار داشت و خانواده امام علیه السلام همواره تحت نظارت جاسوسان بودند.^۳ به نظر می‌رسد، راستی‌آزمایی روایات با مضمون «ائمه اثنی عشر» و در نتیجه، جدی‌تر شدن مبحث امامت امام دوازدهم و رفع ظلم و ستم حکام توسط وی که تا آن زمان در حافظه سیاست‌مداران و مردم به عنوان پیشگویی محتمل‌الوقوع پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تلقی می‌شد، موجب این نظارت‌های شدید و اعمال فشار روانی بیشتر بر اهل بیت علیهم السلام و خانواده‌های آنان شده بود. به طور قطع، چنین شرایطی برای بانوان منزل بسیار سخت خواهد بود. با مطالعه عمیق و دقیق منابع تاریخی در حوزه اهل‌بیت‌نگاری، شباهت سه دوره امامت امام حسین علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و برجسته‌تر شدن نقش‌های سه بانو، یعنی حضرت: زینب علیها السلام، حمیده و حدیث را با وضوح بیشتر می‌توان مشاهده کرد. این سه بانو، وصی امام زمان خویش قرار گرفتند. شیخ مفید در کتاب *الفصول العشرة* به این مطلب اشاره دارد که همان‌گونه که امام حسین علیه السلام برای حفظ جان امام سجاد علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام را وصی خویش قرار داد، امام عسکری علیه السلام هم مادرش، حدیث را وصی خویش قرار داد، تا جان امام زمان علیه السلام حفظ

۱. مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۲.

۳. رک: جعفر بن منصور الیمن، سرائر و اسرار النطقاء، ص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۰۵.

شود و این، یک پوشش بود.^۱ شیخ طوسی نیز در کتاب *الغیبه* همین مسئله را بیان می‌کند و ماجرای وصایت بانو حُمیده، مادر امام کاظم علیه السلام را نیز از همین سنخ می‌داند.^۲

بانو حُدیث، همسر امام هادی علیه السلام در شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تحمیل شده بر شیعیان می‌زیست. هجوم ناگهانی به خانه امام علیه السلام در مدینه و سامرا و تفتیش منزل از سوی کارگزاران دستگاه خلافت، فشار روانی زیادی بر خانواده وارد می‌ساخت و نیازمند مدیریت بحران از سوی مادر، به عنوان مسئول امور خانه بود. گزارش شده است که روزی به متوکل گزارش دادند در منزل امام هادی علیه السلام سلاح و نامه‌هایی از شیعیانش وجود دارد. وی به سربازان خود دستور داد بدون اطلاع قبلی به منزل امام حمله برند. وقتی وارد خانه شدند، امام علیه السلام را در اطاقی که زیرانداز آن از شن و ماسه بود، درحالی که در را بر روی خود بسته و لباسی پشمینه بر تن کرده و روپوشی بر سر انداخته و آیاتی از قرآن در مورد وعد و وعید را تلاوت می‌کند، دیدند. وی را با همان حالت نزد متوکل آوردند. گرچه منابع تاریخی در این زمینه ساکت مانده و اطلاعات جزئی به دست نمی‌دهند، اما با کنار هم قرار دادن گزارش‌ها و تصویرسازی صحیح، می‌توان جزئیات را دریافت. برای ترسیم حرمت‌شکنی خلفای عباسی همین کفایت می‌کند که در ادامه ماجرای دستگیری امام هادی علیه السلام گفته شده متوکل جام شرابی در دست داشت. آن حضرت را در کنار خود جای داد و پیاله‌ای به او تعارف کرد. امام عذر خواست و فرمود: گوشت و خون من تا به حال با شراب آلوده نشده است. متوکل از امام علیه السلام خواست شعری که او را به وجد و نشاط آورد، بخواند. امام فرمود: کمتر شعر می‌خوانم؛ اما به‌اصرار او شعری خواند.^۳

۱. شیخ مفید، *الفصول العشرة*، ص ۴۶.

۲. طوسی، *الغیبه*، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۳. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۱۸، ص ۱۹۹؛ ابن‌کنیر دمشقی، *البدایة والنهاية*، ج ۱۱، ص ۱۵.

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و نگرانی دستگاه خلافت از وجود فرزندی برای آن حضرت و در نتیجه، توقیف صقیل یا نرجس (متوفای ۲۹۵ یا ۳۲۰ ق)^۱ در خانه امام که در مدت آن اختلاف است، دو دستگی و اختلاف شدیدی بین اعضای خانواده امام هادی علیه السلام ایجاد شد. از یک سو، حدیث مادر امام عسکری علیه السلام و حکیمه، عمه آن حضرت که از وجود امام زمان و امامت وی خبر داشتند، در پی کسب میراث امام بودند و از طرف دیگر، جعفر کذاب^۲ و به نقل از برخی منابع، تنها خواهر امام عسکری علیه السلام - که نام او را فاطمه و لقب وی را علیّه^۳ و یا دلاله^۴ و یا عایشه^۵ که به نظر می‌رسد تصحیف علیّه باشد، ذکر کرده‌اند - ادعای میراث داشتند.^۶ بسیاری از طرفداران جعفر، پس از درگذشت او، قائل به امامت همین خواهر وی شدند.^۸ در هر حال، بنا به برخی گزارش‌ها، پس از هفت سال، میراث امام بین جعفر و مادر امام و یا خواهر امام، تقسیم شد.^۹ گفته شده است که حدیث

۱. احتمال حداقلی رحلت بانو نرجس، بنا به نقل ابن حزم ظاهری و شواهد دیگر، ۲۹۵ ق است که در این صورت، بانو در ۶۲ سالگی دار فانی را وداع گفته است؛ یعنی ابتدای دولت المقتدر بالله. احتمال حداکثری نیز رحلت وی بنا به نقل ابن حزم ظاهری، ۳۲۰ ق است که در این صورت، در ۸۷ سالگی از دنیا رفته است؛ یعنی انتهای دولت المقتدر بالله. وی در سامراً در قسمت پایین قبر امام عسکری علیه السلام به خاک سپرده شد. (ر.ک: ناهید طیبی، پژوهشی نو درباره مادر امام زمان علیه السلام، ص ۲۶۹)
۲. صدوق، کمال الدین، ص ۵۰۸.
۳. طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۲۷.
۴. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۲۶.
۵. مفید، الإرشاد، ص ۳۱۲.
۶. حسین مدرسی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۶۲.
۷. جهت اطلاع بیشتر، ر.ک: حسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.
۸. همان، ص ۱۶۲.
۹. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۰۵؛ اشعری، المقالات والفرق، ص ۱۰۲؛ ابن حزم ظاهری، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، ج ۴، ص ۱۵۸.

و حکیمه، در یک سوی این قضیه بودند و جعفر کذاب و خواهر امام علیه السلام در طرف دیگر. اینکه خواهر امام نیز وارث او بود، فقط در کتاب‌های اهل سنت مطالبی نقل شده است.^۱ در مجموع، برای بانو حُدیث در عصر امام هادی علیه السلام نقش‌های زیر را می‌توان مطرح نمود:

- ایفای نقش همسری در شرایط دشوار سیاسی تحت نظارت شدید دستگاه حاکم عباسی؛

- حفظ و نگاهداری از امام پسین (امام عسکری علیه السلام) پیش و پس از تولد در شرایط سخت یادشده؛

- حفظ اسرار خاندان امامت؛

- حفظ آرامش به هنگام دستگیری امام هادی علیه السلام و حرمت‌شکنی‌های خلفای عباسی و مسائل برون‌خانوادگی؛

- مدیریت بحران در مسائل درون‌خانوادگی.

۲. نقش‌های بانو حُدیث در عصر امام عسکری علیه السلام

پس از شهادت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴ق و آغاز امامت امام عسکری علیه السلام، گزارش‌های حاکی از نقش بانو حُدیث، همسر امام علیه السلام و مادر امام عسکری علیه السلام را در دو بخش می‌توان واکاوید؛ گزارش‌های مربوط به پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام و پس از شهادت آن حضرت.

۱-۲. نقش بانو پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام

در *بصائر الرجات* از حسن بن علی زیتونی از ابراهیم بن مهزیار و سهل بن هرمزان از محمد بن ابی زعفران از امّ ابی محمد، مادر امام عسکری علیه السلام، نقل شده که فرمود:

۱. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۳، ص ۱۲۱.

یکی از روزها امام عسکری علیه السلام به من فرمود: در سال ۲۶۰ ق مشکلی بر من خواهد رسید که می ترسم مرا دچار رنج و مشقت نماید و اگر از این ابتلا سالم ماندم، در سال ۲۷۰ ق این اتفاق خواهد افتاد. بانو فرمود: من به جزع و فزع افتاده و گریستم. امام فرمود: امر خدا باید اجرا شود؛ جزع و فزع مکن مادر! راوی گوید: وقتی که ماه صفر سال ۲۶۰ هجری فرا رسید، وی دچار نگرانی شدید، اضطراب و ناراحتی شد و گاهی از مدینه خارج می شد و خبر می گرفت؛ تا زمانی که به او خبر رسید.^۱

بخش ابتدایی این روایت، در *اثبات الوصیه مسعودی* به نقل از حمیری به همان سند صفار قمی، عین لفظ و معنای روایت نقل شده است؛^۲ اما پس از آن، مطالبی دیده می شود که برای اولین بار در *اثبات الوصیه* آمده است و راوی در ادامه روایت، به برخورد معتمد و زندانبان با امام و زندانی کردن جعفر کذاب همراه امام علیه السلام می پردازد که با دیگر منابع شیعی همخوانی ندارد. به سبب خارج نشدن از موضوع، در این مقاله آن را ذکر نمی کنیم. منابع پسین، جملگی از این دو منبع نقل کرده اند.

در خصوص نقش بانو خدیث در دوران پیش از شهادت امام علیه السلام، دو پرسش اساسی مطرح می شود که پاسخ قطعی برای آن نمی توان یافت و باید به گمانه ها اتکا نمود:

۱. علت عدم حضور بانو در ماجرای پیوند امام عسکری علیه السلام و نرجس چیست؟
۲. چرا در جریان تولد امام زمان علیه السلام هیچ ردّ پایی از خدیث دیده نمی شود؟

۱. صفار قمی، پیشین، ج ۱، ص ۴۸۳: «قَالَ لِي أَبُو مُحَمَّدٍ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ تُصِيبُنِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ حَرَارَةٌ أَخَافُ أَنْ أَنْكَبَ فِيهَا نَكْبَةً فَإِنْ سَلِمْتُ مِنْهَا فَإِلَى سَنَةِ سَبْعِينَ قَالَتْ فَأَطْهَرْتُ الْجَزْعَ وَ بَكَيْتُ فَقَالَ لِي لَا بُدَّ لِي مِنْ وَقُوعِ أَمْرِ اللَّهِ فَلَا تَجْزَعِي فَلَمَّا أَنْ كَانَ أَيَّامُ صَفَرٍ أَخَذَهَا الْمُقِيمُ الْمُقْعَدُ وَ جَعَلَتْ تَقُومُ وَ تَقْعُدُ وَ تَخْرُجُ فِي الْأَحَابِيثِ إِلَى الْجَبَلِ تُجَسِّسُ الْأَحْبَابَ حَتَّى وَرَدَ عَلَيْهَا الْخَبَرُ.»

۲. مسعودی، پیشین، ص ۲۵۴ - ۲۵۶. بر اساس این گزارش، امام علیه السلام در سال ۲۵۹ ق مادر خویش را از وقایع سال ۲۶۰ ق آگاه کرده و از وی خواست تا به حج مشرف شود و امام زمان علیه السلام را به وی سپرد و در مورد او وصیت لازم را نمود. آنگاه اسم اعظم و میراث های امامت و سلاح را به این بانو واگذار کرد و آنان به سوی مکه رهسپار شدند.

در هیچ یک از منابع موجود، پاسخ صریحی به این دو پرسش داده نشده است و می‌توان احتمالات ذیل را با توجه به گزارش‌های مرتبط مطرح کرد:

- احتمال دارد چون بانو در خانه امام علیه السلام حضور داشت و مانند دیگر اهالی منزل تحت نظارت شدید جاسوسان بود، امام هادی علیه السلام حکیمه را که خارج از منزل بود، گزینه بهتری برای ثبت میلاد موعود می‌دانست.

- شاید هنگام پیوند امام عسکری علیه السلام و میلاد امام زمان علیه السلام، وی به طور طبیعی در سامرا نبوده است. در این مورد، منابع تاریخی ساکت است و هیچ شهادی بر ادعای مورد نظر نیست؛ اما با توجه به وسایل سفر در آن زمان، امکان دارد سفرهای دیگری برای انجام مناسک حج و یا حتی انجام مأموریت‌هایی از سوی امام علیه السلام داشته و این دو واقعه مهم در آن زمان‌ها صورت گرفته باشد. بر اساس گزارش‌های موجود، در روایتی تصریح شده است که راوی از حکیمه در مورد اینکه آیا خود، امام را مشاهده کرده و یا خبر از او دارد، می‌پرسد و آن بانوی علوی می‌گوید:

خبر او را از ابو محمد علیه السلام شنیده‌ام و آن را برای مادرش نوشته بود.^۱

بنابراین، خبر ولادت قائم از طریق مکاتبه به بانو داده شده است که نشانگر عدم حضور وی در مدینه است.

۲-۲. نقش بانو پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، بارزترین رفتارهای سیاسی و اجتماعی از این بانو مشاهده می‌شود. شهادت امام هادی علیه السلام (۲۵۴ق) و امامت عسکری علیه السلام و جدی‌تر شدن ماجرای امام دوازدهم که نشانگر صحت «احادیث اثنی عشر» بود، موجب ایجاد توطئه‌های دستگاه حاکم عباسی برای ترور امام عسکری علیه السلام شد. بنا به نقل شیخ طوسی، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق) قصد کشتن امام را داشت؛ اما پیش از اقدام به قتل، ترکان بر او

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۳۰.

شوریده و معتمد عباسی را بر جای وی نشانند.^۱ برخی، کارکرد حدیث اثنی عشر را در حدّ اعجاز دانسته و گویند:

سنّی‌ها از دیرزمان این حدیث را نسلأ بعد نسل روایت کرده و نسبت به آن عنایت تمام داشتند و حتی در زمان خلافت ولید دوم (۱۲۵-۱۲۶ق) که نهضت ضدّ اموی قدرت گرفته بود و... عده زیادی از محدثان اهل سنّت این حدیث (اثنی عشر) را در همه جا می‌خواندند.^۲

در هر حال، حضور بانو حدیث در خانه امام علیه السلام در این شرایط، تأثیرات بسیاری می‌توانست داشته باشد.

خبر شهادت امام عسکری علیه السلام و رفتار بانو حدیث

ماجرای بازگشت بانو به سامرا پس از شنیدن خبر شهادت امام عسکری علیه السلام اولین بار در کتاب *الأنوار اسکافی* (م ۳۳۶ق) که منتخب آن در دسترس است، به اختصار ذکر شده است. نویسنده به نقل از راوی می‌نویسد:

أمّ ابی محمد که نامش حدیث بود، هنگامی که خبر [شهادت امام] از سامرا به وی رسید، از مدینه بازگشت و قصه‌های طولانی در مورد وی وجود دارد که شرح آن به درازا می‌کشد و من آنها را ذکر نکردم.^۳

در کتاب *در التنظيم* روایتی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد ادامه روایت یادشده در *بصائر الدرجات و اثبات الوصیه* باشد؛ اما بخش اول آن ذکر نشده است. بر اساس این گزارش، وقتی خبر وفات امام عسکری علیه السلام در مدینه به این بانو رسید، به سوی سامرا

۱. طوسی، *الغیبه*، ص ۱۳۴.

۲. حسین مدرسی، *مکتب در فرآیند تکامل*، ص ۱۸۸ و ۱۸۹. وی معتقد است که کوتاه‌فکران در صحت و اصالت این حدیث، تردید می‌کنند. سپس، به پاسخگویی اشکالات آنان می‌پردازد. (همان، ص ۱۹۶ - ۱۹۸)

۳. اسکافی، *پیشین*، ص ۸۹.

رهسپار شد و بین او و جعفر، داستان‌هایی اتفاق افتاد و کنیز امام علیه السلام، صقیل، ادعای بارداری کرد. وی را به خانه معتمد عباسی بردند و زنان و خادمان و همسر موفق عباسی و قاضی شوارب، وی را تحت نظر گرفتند؛ تا زمانی که قیام صفار و مرگ عبدالله بن یحیی بن خاقان و قیام صاحب‌الزنج اتفاق افتاد و دستگاه حاکم را به خود مشغول کرد و آنها این مسئله را وانهادند.^۱ در ماجرای ادعای بارداری، سخنی از حُدیث نیست؛ اما با توجه به بازگشت وی به سامرا و منازعات با جعفر که قطعاً به انگیزه حفظ اموال امام حاضر بوده است، نمی‌توان منکر نقش تأثیرگذار این بانو شد و به نظر می‌رسد، در طراحی ادعای یادشده نقش داشته است.

بحث گماشتن جاسوس در خانه امام عسکری علیه السلام و ادعای حمل صقیل در کتاب *سرائر و اسرار النطقاء* که به سال ۳۸۰ق توسط جعفر بن منصور الیمن از داعیان نخست فاطمیان نگاشته شده، دیده می‌شود. در این کتاب آمده است که برای دستیابی به اموال ایتام و وجوهات، به جاریه‌ای به نام صقیل (صقیل) روی آورده و برای وی نگاهبان و جاسوس گذاشتند و گفتند که منتظر، در شکم اوست.^۲

مواجهه بانو با جعفر کذاب

شیخ صدوق نقل می‌کند: امام حسن عسکری علیه السلام روز جمعه وقت نماز صبح درگذشت و... چون خبر وفات ابو محمد علیه السلام به مادرش رسید، از مدینه به سامرا آمد و نامش «حُدیث» بود و داستان‌های مفصلی با جعفر، برادر امام حسن علیه السلام دارد و جعفر از او مطالبه میراث نمود.^۳

۱. ابن حاتم شامی، پیشین، ص ۷۳۸.

۲. جعفر بن منصور الیمن، *سرائر و اسرار النطقاء*، ص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ نوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۱۰۵.

۳. صدوق، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۲.

شیخ صدوق در پاسخ به کسانی که جعفر کذاب را جانشین امام عسکری علیه السلام دانسته‌اند، دلایلی را بیان می‌کند که یکی از آنها، به بانو خدیث مربوط می‌شود. وی معتقد است این گونه اخبار، دیگر گزارش‌ها را تکذیب می‌کند؛ اما اخبار وی در مورد امام عسکری علیه السلام متواتر و غیرمتناقض است. از جمله اخبار متواتر، این است که جعفر کذاب از خلیفه المعتمد علی الله (۲۵۶-۲۷۹ق) و وزیر وی یاری خواست تا میراث امام حسن عسکری علیه السلام را از مادر آن حضرت دریافت کند؛ با وجود آنکه شیعیان اجماع و اتفاق داشتند که با وجود مادر، برادر ارث نمی‌برد.^۱

بنا به نقل نوبختی، از آنجا که فرزندی در ظاهر برای امام عسکری علیه السلام شناخته نشد، میراث وی بین برادرش، جعفر و مادرش که امّ ولدی به نام «عسفان» بود و سپس امام عسکری علیه السلام وی را «خدیث» نامید، تقسیم شد.^۲ بنا بر نقل شیعه، میراث امام علیه السلام پس از کشف خلاف در ادعای کنیز، میان مادر امام و برادرش جعفر^۳، و به نقلی دیگر، خواهر تنی امام تقسیم شد. منازعه بین جعفر کذاب و خدیث، مادر امام حسن عسکری علیه السلام، منحصر به این مورد نبوده است.

بانو خدیث، پناه شیعیان پس از امام عسکری علیه السلام

بر اساس حدیثی از شیخ صدوق، احمد بن ابراهیم گوید: در مدینه بر حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام در سال ۲۶۲ق وارد شدم و از پشت پرده با وی سخن گفتم و از دینش پرسیدم؛ امام را نام برد و گفت: فلان بن الحسن و نام وی را بر زبان جاری ساخت. گفتم: فدای شما شوم! آیا او را مشاهده کرده‌ای و یا آنکه خبر او را شنیده‌ای؟ گفت: خبر او را از ابومحمد علیه السلام شنیده‌ام و آن را برای مادرش نوشته بود. گفتم:

۱. همان.

۲. نوبختی، پیشین، ص ۹۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

آن مولود کجاست؟ گفت: مستور است. گفتم: پس، شیعه به چه کسی مراجعه کند؟ گفت: به جدّه او، مادر ابومحمد علیه السلام. گفتم: آیا به کسی اقتدا کنم که به زنی وصیت کرده است؟ گفت: به حسین بن علی بن ابی طالب اقتدا کرده است؛ زیرا حسین علیه السلام در ظاهر به خواهرش زینب وصیت کرد و دستورات علی بن حسین علیه السلام به جهت حفظ جانش، به زینب نسبت داده می‌شد. سپس گفت: شما اهل اخبارید. آیا برای شما روایت نشده است که نهمین از فرزندان حسین علیه السلام، میراثش در دوران حیاتش تقسیم می‌شود؟^۱

در کتاب *کمال الدین*، در دو مورد این روایت نقل شده است که در اوّلی تاریخ ملاقات سال ۲۶۲ ق^۲ و در دومی ۲۸۲ ق^۳ ذکر شده است. البته با توجه به شرایط و زمینه‌های تاریخی، تاریخ اوّل صحیح است؛ زیرا تا سال ۲۸۲ ق که ۲۲ سال از شهادت امام گذشته بود، اصحاب امام عسکری علیه السلام و سفرای امام زمان علیه السلام، شیعه را تا حدودی از تحیر خارج ساخته بودند. در کتاب *الغیبه* همین روایت با این تفاوت که خدیجه به جای حکیمه وارد شده، نقل شده است.^۴

نکات قابل توجه در گزارش، عبارت است از:

- نقل راویان مرد از امّ ابی محمد، نشانگر حضور وی در مجامع حدیثی و علمی است.
- اعتماد زیاد امام به مادر خویش برای بیان اسرار خاصّ امامت، نشانگر جایگاه والای بانو نزد آن حضرت است.
- اظهار پیشگویی‌های امام علیه السلام نزد بانو.
- اینکه امام علیه السلام می‌فرماید: «در سال ۶۰ (= ۲۶۰ ق)، و اگر از آن فتنه سالم ماندم در سال ۷۰ (= ۲۷۰ ق)»، نشانگر شهادت امام علیه السلام به دست یا به امر خلفای عباسی است؛

۱. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۵۰۷.

۲. همان، ص ۴۵۴.

۳. همان، ص ۴۵۹.

۴. طوسی، *الغیبه*، ص ۲۳۰.

هرچند شیخ مفید شهادت امامان غیر از امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را نمی‌پذیرد.^۱

- امام عسکری علیه السلام در هشتم ربیع الأول به شهادت رسید و بانو از ماه صفر در جست‌وجوی خیر از فرزندش بود و این، طبیعی است.

- بانو هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام در سامراً حضور نداشته است؛ همان‌گونه که به هنگام میلاد امام زمان علیه السلام حضور نداشته است و با نامه‌ای از فرزند خویش از تولد باخبر می‌شود.

- خروج از محل زندگی، وجود یک برنامه خاص دینی یا اجتماعی را برمی‌تابد و می‌توان احتمال داد بر اساس روایتی که امام عسکری علیه السلام وی را وصی خود در موقوفات و وجوهات قرار می‌دهد، پیش از آن نیز برنامه‌هایی برای امور مالی شیعیان داشته و سفرها به این دلیل بوده و یا وی بیش از یک بار به انجام مناسک حج همت گمارده است.

- بر اساس تعبیر «تجسس الأحاب» در گزارش، بانو باید در مدینه با محبان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ارتباط قوی داشته باشد؛ با وجود فاصله جغرافیایی که پس از سال‌ها با این شهر داشته و با وجود خفقان موجود که کارگزاران عباسی ایجاد کرده بودند.

- گرچه روایتی از بانو در عصر حاضر بر جای نمانده، اما وی از زنان راوی حدیث بوده است. برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و طبرسی (م ۵۴۸ق) نجمه، مادر امام رضا علیه السلام، سمانه مادر امام هادی علیه السلام و سوسن مادر امام حسن عسکری علیه السلام را از راویان حدیث برشمرده‌اند.^۲

۱. رک: مفید، الإرشاد، ج ۲، زندگی‌نامه مجموعه امامان:.

۲. جهت اطلاع بیشتر، رک: قهبایی، مجمع الرجال، ج ۷، ص ۱۷۳.

وصایت بانو

بر اساس منابع شیعه، ادعای حُدیث در مورد وصیت امام حسن عسکری علیه السلام نزد قاضی مطرح و اثبات شده است؛ «و مادرش ادعای وصایت امام علیه السلام را کرد و این مسئله نزد قاضی ثابت شد.»^۱ و در پی همین مدعا بوده است که خلیفه در پی یافتن نشانه‌هایی از فرزند امام بود. وضعیت شیعیان به گونه‌ای بود که برخی معتقد بودند پس از رحلت امام، مادرش حُدیث عهده‌دار امامت خواهد شد.^۲ بنابراین، مطلبی که دلالت بر وصی قرار دادن حُدیث است، صحت دارد و شیخ مفید در کتاب *الفصول العشرة* این مطلب را بیان نموده و استدلال مناسبی هم جهت وصایت بانو آورده و می‌نویسد: «وصیت امام حسن علیه السلام که مشهور است به مادرش - به نام حُدیث و با کنیه أم الحسن - نموده، در امور وقفی و صدقات و امضای آن بر اساس شرایط (موجود) است و اینکه در وصیت آن حضرت، نامی از فرزند منتظر او برده نشده است.»^۳ بر اساس استدلال وی، شیعیان در مسئله وصی بودن حُدیث، به امام حسین علیه السلام اقتدا می‌کنند که حضرت زینب علیها السلام را به خاطر حفظ جان امام سجاد علیه السلام، در ظاهر امر، وصی خویش قرار داد.

بنابراین، آنچه در زمان شیخ مفید در بین مردم شهرت داشته، وصیت امام حسن عسکری علیه السلام در امور اقتصادی و دینی به مادر آن حضرت است. در آن دوره، بیشتر مناطق شیعه‌نشین در قلمرو خلافت عباسی قرار داشتند؛ اما به سبب نگاه ضد شیعی دستگاه حاکم، شیعیان در تنگنا بودند. از این رو، بحث موقوفات و صدقات شیعیان در آن زمان، با توجه به حضور وکلای مورد اعتماد حضرت در سرزمین‌های اسلامی، از مهم‌ترین مسائل زمان محسوب می‌شد؛ به‌ویژه که صاحب اصلی این امور باید از دیدگاه مردم غایب می‌بود

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ صدوق، پیشین، ص ۴۳؛ طوسی، الغیبة، ص ۷۵ و ۱۳۸.

۲. صدوق، پیشین، ص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ خصیبی، پیشین، ص ۳۶۶.

۳. مفید، الفصول العشرة، ص ۴۶.

و فردی مطمئن و قابل اعتماد و در عین حال، فعال و تأثیرگذار به عنوان حافظ این اموال باید انتخاب می‌شد. نکته مهم و جالب این است که با وجود حکیمه که علوی بود، حدیث به عنوان وصی حضرت انتخاب می‌شود. ممکن است در اینجا بحث طبقات ارث مطرح شود که به یقین در بخش اموال خصوصی حضرت، این طبقه‌بندی مورد نظر است؛ نه موقوفات و صدقات.

زندگی امام زمان علیه السلام نزد بانو

شیخ صدوق نقل می‌کند: در زمان حیات امّ ابی‌محمد علیه السلام با جمعی به محله عسکر رفتیم و یاران من برای زیارت امام علیه السلام، نامه‌ای نوشتند و برای یک‌یک اجازه گرفتند. من گفتم: اسم مرا ننویسید که اجازه نمی‌خواهم و اسمم را ننوشتند. جواب رسید: همه داخل شوید و آن هم که از اجازه سرباز زد، داخل شود.^۱

از این روایت، معلوم می‌شود که برای مدتی امام زمان علیه السلام نزد این بانو می‌زیسته است و برخی از شیعیان خاص برای زیارت وی، نزد او می‌آمدند. به سبب حفظ جان امام علیه السلام و مسائل امنیتی، جزئیات بیشتری از این ماجرا گزارش نشده است.

نتیجه

همسر امام هادی علیه السلام، بانو حدیث، امّ ولدی بود که پیش از سال ۲۳۱ق وارد خانه امامت شد و به سبب شرایط ویژه در عصر امامت امام هادی و عسکری علیه السلام، نقش‌های مهمی را ایفا نمود. نقش‌های وی را می‌توان در دو بخش دوران زندگی با امام هادی و امام عسکری علیه السلام واکاوی کرد. در دوره اول، بیشتر با تحمل دشواری‌های حاصل از فشارهای روانی، اقتصادی و سیاسی دستگاه حکومت و تحمل مشکلات ناشی از فراخوان امام به سامرا و برخوردهای تحقیرآمیز متوکل و کارگزاران وی با امام علیه السلام همراه بود. دوره دوم، با

۱. صدوق، پیشین، ص ۴۹۸.

توجه به جدی تر شدن روایات اثنی عشری که در تاریخ شفاهی و کتبی و به عبارتی حافظه تاریخی مردم و دستگاه حاکم از دیرباز وجود داشته، فعالیت‌های خلفای عباسی و کارگزاران آنها برای محو اهل بیت علیهم السلام و نابودی امام دوازدهم علیه السلام اوج گرفت و از این سو، تدابیر و فعالیت بیشتری برای حفظ آخرین وصی و امام شیعیان باید شکل می‌گرفت. به نظر می‌رسد، به دلیل ایجاد محدودیت برای اصحاب امام و سفر او و تنگ شدن دایره ارتباطات امام و شیعیان، نقش بانوان در این دوره پُررنگ‌تر از پیش می‌شود. از این رو، بیشترین و بارزترین نقش‌های بانو حُدیث که در گزارش‌ها تصریح شده، مربوط به پس از شهادت امام عسکری علیه السلام است و تلاش بی‌دریغ وی برای حفظ جان امام شیعیان علیهم السلام، رفع تحیر از جامعه شیعی و برنامه‌ریزی برای حفظ باورهای شیعی، در منابع مشهود است.

منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات گلشن، تهران: نهم، ۱۳۸۲ش.
۲. آوتویت، ویلیام و تام باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲ش.
۳. ابن ابی الثلج، تاریخ اهل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار الصادر، ۱۳۸۵.
۵. ابن العماد حنبلی، شهاب الدین، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تصحیح الأرناؤوط، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن حاتم شامی، جمال الدین یوسف، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهامیم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن حزم ظاهری، علی بن احمد، الفصل فی الملل والأهواء والنحل، تصحیح محمدابراهیم نصر عبدالرحمن، بیروت: دار الجبل، [بی تا].
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب ابن شهر آشوب، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ش.
۱۰. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة عليهم السلام، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
۱۱. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، تاریخ فخری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۱۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، [بی تا].
۱۳. ابن کثیر دمشقی، البدایة والنهاية، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۱۴. ابونصر بخاری، سر السلسلة العلویة، تحقیق سید صادق بحر العلوم، شریف رضی، ۱۴۱۳ق.
۱۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، اخبار النساء فی کتاب الاغانی، بیروت: [بی تا]، ۱۹۹۶م.
۱۶. احمدی، علی، «همسر و فرزندان امام هادی»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۶۰.
۱۷. احمدی، محمدابراهیم، «مادر امام»، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۰، ۱۳۸۶ش.

١٨. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، قم: رضی، ١٤٢١ق.
١٩. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، تهران: مؤسسة الصادق علیه السلام، ١٣٨٢ش.
٢٠. اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، *منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار علیهم السلام*، قم: دلیل ما، [بی تا].
٢١. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات والفرق*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣٦٠ش.
٢٢. بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٧ق.
٢٣. حسن، ابراهیم حسن، *تاریخ الاسلام السیاسی والدیینی والثقافی والاجتماعی*، قاهرة: مکتبة النهضة المصریة، هفتم، ١٩٦٤م.
٢٤. حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، قم: مکتبة الداوری، [بی تا].
٢٥. —، *عیون المعجزات*، حیدریه محمد کاظم شیخ صادق کتبی، ١٣٦٩.
٢٦. خزعلی، موسوعه الإمام العسکری علیه السلام، قم: مؤسسه ولی العصر علیه السلام، ١٤٢٦ق.
٢٧. خزعلی، موسوعه الإمام الهادی علیه السلام، قم: مؤسسه ولی العصر علیه السلام، ١٤٢٤ق.
٢٨. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، نشر البلاغ، ١٤١٩ق.
٢٩. خضری، احمد رضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران: سمت، ١٣٨٤ش.
٣٠. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ١٤١٣ق / ١٩٩٣م.
٣١. —، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسه الرسالة، هفتم، ١٤١٣ق.
٣٢. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *تاریخ الخلفاء*، بیروت: عالم الکتب، ٢٠٠٣م.
٣٣. شیخ صدوق، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: اسلامیة، ١٣٩٥ش.
٣٤. شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، ١٣٧٨ش.
٣٥. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، [بی تا].
٣٦. —، *الفهرست*، تحقیق الشیخ جواد القیومی، مؤسسه نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.

۳۷. —، الأبواب (رجال الطوسی)، تحقیق جواد القیومی الإصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۵ق.
۳۸. —، الغیبه، قم: دار المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۳۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم: کنگره بزرگداشت شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۰. —، الفصول العشرة، تحقیق فارس الحسون، قم: دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۴۱. —، الفصول العشرة، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. صدر، محمد، تاریخ الغیبة، بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۲ق.
۴۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۴. صفری فروشانی، نعمت الله، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة»، علوم حدیث، سال ۱۰، ش ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۴ش.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۴۶. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: نشر بعثت، ۱۴۱۳ق.
۴۷. طیبی، ناهید، پژوهشی نو درباره مادر امام زمان علیه السلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۴۸. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام الهادی أبي الحسن علی بن محمد علیه السلام، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰ق.
۴۹. علامه تستری، رساله فی تواریخ النبی وآل، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۳ق.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت: مکتبة الهلال، [بی تا].
۵۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی وآل، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹ش.
۵۲. قهپایی، عنایة الله بن علی، مجمع الرجال، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی تا].
۵۳. کحاله، عمر، أعلام النساء فی عالمی العرب، دمشق: الرسالة، ۱۹۵۹م.
۵۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم: دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۵۵. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.

۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۵۷. کوئن، بروس، *میانی جامعه‌شناسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۲ ش.
۵۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، قم: مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۵۹. محمدین مکرم، ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
۶۰. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدیناه، نشر کویر، ۱۳۹۵ ش.
۶۱. مسعودی، علی بن حسین، *إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب*، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
۶۲. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۶۳. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعة*، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۴ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی